

ارزیابی محمد صدر از فرجام پیش روی برجام در دولت جو بایدن:

## قدم اول را باید آمریکا با رفع محدودیت‌ها بردارد

ضررهای لیست سیاه «اف ای تی اف» از تحریم‌های آمریکا کمتر نیست

احسان بدایعی  
خبرنگار

محمد صدر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و از دیپلمات‌های پیشین وزارت امور خارجه، همچون بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران سیاست خارجی نسبت به پیروزی جوبایدن در انتخابات آمریکا و ایجاد تحولات مثبت به نفع ایران خوشبین است. باین حال او تأکید دارد که این خوشبینی در حال حاضر در قیاس با برنامه‌ها و سیاست‌های تندروانه دونالد ترامپ است و باید صبر کرد و دید که دولت جدید آمریکا به صورت عملی چه سیاستی را در قبال تهران اتخاذ می‌کند. هر چند رئیس جمهور منتخب آمریکا وعده‌های صریحی برای تغییر مسیر آمریکا از رویکرد یکجانبه گرایی و مشخصاً بازگشت به برجام داده است.

■ در روزهای اخیر دو دیدگاه در خصوص تحول انتخاباتی آمریکا در ایران وجود داشت: یک دیدگاه که تأکید می‌کرد اساساً نمی‌توان تفاوتی میان ترامپ و بایدن قائل بود و به همین اعتبار سیاست کشور هم در خصوص آمریکا نباید تغییر کند. دیدگاه دوم اما می‌گفت که اینها تفاوت‌هایی با هم دارند و نمی‌شود هر دو را به یک چشم دید. شما مشخصاً قائل به دیدگاه دوم هستید. در توضیح تفاوت‌های بین بایدن و ترامپ چه تفسیری دارید؟

یکی دانستن ترامپ و بایدن یک اشتباه مسلم است که می‌تواند منجر به اتخاذ سیاست‌های خسارت‌باری برای کشور شود. آنها نه تنها متفاوت هستند بلکه در جاهایی تفاوت‌هایشان مبنایی و جدی است. یعنی هم شخص بایدن و ترامپ با هم متفاوت هستند و هم سیاست‌های دو حزب متبوع آنها. دو طرف اصول و بنیان‌هایی دارند که با هم متفاوت هستند. اینکه موجودیت و سیاست این دو را در برخی شباهت‌های طبیعی که همه جا وجود دارد، محدود کنیم اصلاً برداشت واقع‌بینانه‌ای نیست. این تفاوت‌ها هم در سیاست خارجی‌شان وجود دارد و هم در سیاست داخلی آنها. وقتی شما عملکرد دولت‌های اوباما و ترامپ را با هم مقایسه کنید خیلی راحت می‌شود تفاوت‌ها را به چشم دید. مهمترین مسأله در سیاست خارجی که بخشی از آن هم به ایران برمی‌گردد بحث یکجانبه‌گرایی ترامپ است که نه فقط با دموکرات‌هایی نظیر اوباما و بایدن، بلکه با بخشی از خود جمهوریتخواهان هم تفاوت دارد. در این زمینه قطعاً حزب دموکرات و دولت بایدن با شیوه و سیاست جدیدتری عمل خواهند کرد و ما قطعاً شاهد کاهش جدی تمایل واشنگتن به سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه خواهیم بود. آقای ترامپ جزو افراطی‌ترین و تندروترین افراد جمهوریخواه است و اوباما هم از این طرف جزو نیروهای ملایم دموکرات‌هاست. از این حیث آقای بایدن نه ترامپ است و نه اوباما. یعنی او حتی با اوباما هم متفاوت خواهد بود هر چند من فکر می‌کنم که تلاش خواهد کرد تا برخی از میراث‌های دولت اوباما را زنده کند، چون به هر حال در شکل‌گیری این میراث شرکت داشته. بایدن کلیت تفاوت نگاه خود به مسائل خارجی را از همان اول نسبت به ترامپ مشخص کرده بود از جمله دیدیم در همان روز پایان از رای‌گیری چه موضعی درباره توافق پاریس گرفت و گفت در همان روز اول کارش به این توافق برمی‌گردد، یا درباره برجام و مسائل مربوط به ایران هم همینطور. در همین حال می‌بینیم که در اروپا هم در روزهای اخیر به‌کرات پیام‌هایی امیدبخش برای ترمیم ارتباط بین دو سوی آتلانتیک فرستاده شده است. بحث این یعنی اینکه از دید اروپایی‌ها هم بایدن با سیاستی متفاوت آمریکا را اداره خواهد کرد.

این نوع بازتاب‌ها در کل دنیا بوده، بنابراین یکی دانستن ترامپ و بایدن ما را دچار خطای محاسباتی شدیدی می‌کند که قطعاً آثار سوء، بسیاری در پی خواهد داشت. کما اینکه مسلم است که اگر به جای ترامپ ریئیس جمهور دموکرات روی کار آمده بود الان وضعیت برجام فرق می‌کرد. کما اینکه من معتقدم طیف‌های میانه‌روتر جمهوریخواهان هم اگر سال ۲۰۱۶ به کاخ سفید رسیده بودند احتمالاً کاری را که ترامپ در قبال برجام انجام داد به این صورت انجام نمی‌دادند. اما خب در جاهایی هم اینها با هم مشترکات جدی دارند که مهمترینش مسأله تأمین امنیت اسرائیل است. این موضوع جزو اصول و خط قرمزهای دو حزب است که روی آن اصرار دارند و برای موقعیت‌شان اهمیت حیاتی دارد. اما همین را هم با شیوه‌های متفاوت پیگیری می‌کنند. شما رابطه دولت نتانیاهو با اوباما و ترامپ و تفاوت فاحش آن را دیده‌اید. مثلاً دموکرات‌ها بحث دو دولت مستقل را پذیرفته‌اند که نتانیاهو آن را قبول ندارد و ترامپ در دوره‌اش همسو و همراه نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بود. کما اینکه من فکر می‌کنم اگر دولت ترامپ ادامه می‌یافت بحث دولت فلسطینی در همین شکل حداقلی هم که دموکرات‌ها قبول دارند، تا حدود زیادی با موضوع می‌شد.

■ باین تفسیری در تفاوت‌های ترامپ و بایدن دارید به نظر تان سیاست‌های دولت بعدی آمریکا در قبال ایران چگونه خواهد بود؟ در این زمینه الان چیزی قابل پیش‌بینی هست یا خیر؟

حتماً در این زمینه یک قسمت‌هایی قابل پیش‌بینی هست و یک قسمت‌های دیگری را باید بگذاریم زمان بگذرد تا ببینیم چه می‌شود. اساساً به شکل قاطع نباید یک پیش‌بینی صدر صد داشته باشیم. اما آنچه که مشخص است این است که بایدن را با ترامپ و حتی با اوباما، نباید مقایسه کرد. اوباما به هر دلیلی مذاکرات هسته‌ای با ایران را قبل از دولت آقای روحانی شروع کرد و پایش گذاشت. در نهایت هم تا یک حدی در مذاکرات راه آمدند تا نهایتاً به برجام رسیدیم. الان چیزی که قابل پیش‌بینی است این است که دولت بعدی آمریکا مایل به بازگشت به برجام است. اینکه چقدر برای این تمایل آمادگی دارند یک بحث دیگری است. اینکه آیا حاضر هستند دوباره پایش

بگذارند یا اینکه می‌خواهند با فرآیند دیگری کار را انجام دهند، اینها جزئیاتی است که در زمان خودش معلوم خواهد شد. یا اینکه برای تمایلی که دارند حاضر هستند چه کارهایی بکنند و اینکه از ایران چه می‌خواهند. ما الان با رئیس جمهور منتخبی در آمریکا مواجه هستیم که رسماً اعلام کرده می‌خواهد به برجام برگردد و ما می‌دانیم بر سر این موضوع تمایل واقعی خودش را نشان داده. اما نمی‌دانیم کیفیت این بازگشت از نظر او چگونه است. من البته یک پیش‌بینی شخصی دارم که بایدن برای احیای سیاست چندجانبه‌گرایی و همینطور احیای میراث اوباما و کاهش تنش در خاورمیانه حاضر باشد یا سختگیری کمتری آمریکا را به برجام برگرداند اما در عین حال بعید است همینطور یکجانبه تمام تحریم‌ها را لغو کند و به حالت

نمی‌افند. ما شاید در صورت تحریم بودن توسط آمریکا و بیرون رفتن از لیست سیاه FATF بتوانیم قدری فعالیت اقتصادی داشته باشیم اما در حالت برعکس آن یعنی اینکه تحریم‌ها رفع شوند اما ما همچنان در لیست سیاه باشیم کار خیلی سخت‌تر خواهد بود. یعنی رحمت و ضلالت لیست سیاه FATF برای اقتصاد ما حتی در جاهایی بیشتر از تحریم‌های آمریکاست. بنابراین واجب است که اگر قدری بر تغییر وضعیت داریم به این موضوع هم رسیدگی مجدد شود. البته هنوز قرار بر این مسأله نیست و هیچ برنامه‌ای وجود ندارد. این نظر شخصی من است که می‌گویم.

■ در داخل، این بحث که ترامپ و بایدن فرقی باهم ندارند به شکل جدی در جاهایی مطرح می‌شود. شما زمینه این



سیداحمد تهرانی / ایران

بحث را چه می‌دانید؟ آن را ناشی از یک خطا و اشتباه تفسیری و تحلیلی می‌دانید یا قصد و بهانه‌ای برای یک بازی سیاسی در داخل و مقاصدی در این حوزه؟

ما قبل از اینکه انقلابی باشیم یا اصلاح‌طلب باشیم یا دیپلمات، بچه مسلمان هستیم. بچه مسلمان نیت‌خوانی نمی‌کند چون نیت خوانی نهایتاً منجر به تهمت می‌شود. حتی در خود تفسیرهای ما هم شاید نیت‌خوانی وجود داشته باشد. بنابراین من به صورت قاطع نمی‌توانم بگویم قصد طرح این دست مسائل چیست. خوشبینانه‌ترین نظر مطرح می‌کنم و می‌خواهند سیاست کشور را با این دست

واقع‌بینانه‌ای از مسائل سیاست خارجی ندارند و شناخت دقیقی هم ندارند. البته آزادی بیان یک امر واجب است که باید همه بتوانند حرف خود را بزنند و نظرشان را بگویند اما این در شرایطی ارزش دارد که اولاً همه این آزادی را داشته باشند و ثانیاً این دست حرف‌ها همینطور بدون مبنا تبدیل به سیاست نشوند. یعنی بین سیاست‌گذاری و شعارهای هیجانی و غیرواقع‌بینانه فرق باشد. از همه اینها مهم‌تر هم این است که کسانی که چنین مسائلی مطرح می‌کنند و می‌خواهند سیاست کشور را با این دست برداشت‌ها اداره کنند، باید مسئولیت آن را هم بپذیرند. مثلاً در همین موضوع FATF شاهد بودیم دولت به وضوح هشدارهایش را به نتایج منفی در این ابواب داد و به آن توجه نشد، حالا همان طیف بابت همان نتایج طلبکار و منطقی بردارد، این‌ها گام در تهران قابل پذیرش است. همان‌طور که البته باید گارد ما این‌گونه باشد که بایدن خیال نکند برداشتن گام‌های ضعیف و محدود می‌تواند او را به جایی برساند. به عبارتی ما باید نشان دهیم که مایل به بازگشت آمریکا به برجام هستیم اما نه با هر قیمت و شکنی. اما مهم‌تر این است که یک سیستم واحد و یکدست در این خصوص در ایران اعمال شود. پراکنده‌گویی‌ها و اقدامات ناهماهنگی که بعضاً می‌بینیم، پیام‌های خوبی به بیرون مخابره نمی‌کنند. الان وضعیت بسیار حساس است و جناحی اتفاقی بیفتد که این شرایط را گیرمنازعات داخلی و جناحی شود. عرصه دیپلماسی هیچوقت عرصه اظهارنظرهای ژورنالیستی و شعاری نیست، اما در این برهه به شکل مضاعف نباید این‌گونه باشد. ما در سال‌های اخیر از جانب این دست رفتارها خیلی ضرر کردیم و صدمه دیدیم. مثلاً در مجاری FATF بحث‌های فنی و کارشناسی زیادی مطرح شد اما در نهایت برخی سر و صداها و شعارها اجازه نداد تصمیم درست گرفته شود. الان هم داریم چوب آن عدم تصمیم‌گیری را می‌خوریم. بحث برجام هم که حل شود، این موضوع FATF اگر همینطور بماند باز ما مشکل داریم.

■ یعنی همچنان معتقدید این موضوع هم حتماً باید حل شود؟ یا امکان‌ش هست که چنین شود؟

شکی نیست که باید حل شود، حتی اگر تحریم‌های آمریکا هم برداشته شود با وضعیت ما در لیست سیاه عملاً اتفاق بزرگ و قابل ملاحظه‌ای در اقتصاد کشور

صدر تأکید دارد که در ارتباط با آمریکا و ایران و مشخصاً موضوع برجام این امریکایی‌ها هستند که باید قدم اول را بردارند، آنهم با پذیرش جبران مافات و خساراتی که به ایران زده‌اند و رفع محدودیت‌ها علیه کشور. این، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام همچنین در تشریح برخی سیاست‌های هیجانی و غیر کارشناسی توضیح می‌دهد که ضررهای ورود ایران به لیست سیاه «اف ای تی اف» کمتر از تحریم‌های آمریکا نبوده و نیست و لذا اهمیت دارد که این موضوع هم تعیین تکلیف شود. این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

کرونا و رسانه‌ها ترامپ را زمین زدند

## کمپین بایدن پیام قوی‌تری داشت

امیر حسین طاهری

عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی و تحلیلگر مسائل بین‌الملل

اگر چه با وجود اعلام پیروزی بایدن در انتخابات اخیر، ترامپ و هوادارانش با تأکید بر وقوع «تقلب گسترده» در انتخابات هم‌زمان به نتایج اعتراض کرده‌اند که ممکن است آرا بازشماری شود و چه بسا دیوان عالی ایالات متحده در این زمینه قضاوت کند. اما بدون شک ترامپ از کاخ سفید خارج می‌شود. لذا با نگاهی گذرا به شعارها، عملکرد و رفتارها و تبلیغات انتخاباتی ترامپ و جو بایدن برخی از علل و عوامل مؤثر در شکست و پیروزی دو نامزد انتخابات اخیر آمریکا را که تا حدی می‌تواند درونمای دولت آینده آمریکا را ترسیم کند، مورد بررسی قرار می‌دهیم. این دلایل را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

■ الف: دلایل شکست ترامپ

ابتدا باید به این نکته توجه کنیم که کسب اکثریت کرسی‌های مجلس نمایندگان از سوی دموکرات‌ها در انتخابات میان دوره‌ای این مجلس در ۲۰۱۸ در واقع به‌عنوان رفراندومی برای دیپلمات، بچه مسلمان هستیم. بچه مسلمان نیت‌خوانی نمی‌کند چون نیت خوانی نهایتاً منجر به تهمت می‌شود. حتی در خود تفسیرهای ما هم شاید نیت‌خوانی وجود داشته باشد. بنابراین من به صورت قاطع نمی‌توانم بگویم قصد طرح این دست مسائل چیست. خوشبینانه‌ترین نظر مطرح می‌کنم و می‌خواهند سیاست کشور را با این دست واقع‌بینانه‌ای از مسائل سیاست خارجی ندارند و شناخت دقیقی هم ندارند. البته آزادی بیان یک امر واجب است که باید همه بتوانند حرف خود را بزنند و نظرشان را بگویند اما این در شرایطی ارزش دارد که اولاً همه این آزادی را داشته باشند و ثانیاً این دست حرف‌ها همینطور بدون مبنا تبدیل به سیاست نشوند. یعنی بین سیاست‌گذاری و شعارهای هیجانی و غیرواقع‌بینانه فرق باشد. از همه اینها مهم‌تر هم این است که کسانی که چنین مسائلی مطرح می‌کنند و می‌خواهند سیاست کشور را با این دست برداشت‌ها اداره کنند، باید مسئولیت آن را هم بپذیرند. مثلاً در همین موضوع FATF شاهد بودیم دولت به وضوح هشدارهایش را به نتایج منفی در این ابواب داد و به آن توجه نشد، حالا همان طیف بابت همان نتایج طلبکار و منطقی بردارد، این‌ها چیزهایی است که باید در نظر گرفته شود. اما قطعاً نمی‌توانم بگویم قصد برخی از طرح این مسائل سوءاستفاده از آن در رقابت‌های داخلی است و این در دست نمی‌دانم.

■ سامان‌جایی از سخنان نشان‌دهنده مسأله رقابت‌های انتخاباتی پیش روی ایران. تلافی آغاز به کار دولت بایدن و شروع این فضا در ایران را چطور می‌بینید؟ خیلی‌ها درباره اینکه زنده شدن احتمال بازگشت آمریکا به برجام تبدیل به یک دعوا و گروکشی داخلی شود، هشدار داده‌اند. در این زمینه فکرمی‌کنید فضا چطور است؟

من فکر می‌کنم که باید پرهیز اکید از ورود به چنین فضایی صورت بگیرد. اما هم‌زمان معتقدم اگر شرایط همان شرایط برجامی باشد و به گونه‌ای باشد که منافع جمهوری اسلامی ایران تأمین شود، خیلی اختلافات را سطح سیاست‌گذاری خرابانی تبدیل کنند که به قطبی‌سازی در شورای عالی امنیت ملی مطرح می‌شود و تصمیم‌گیری نهایی آنجاست. اگر نگرانی وجود داشته باشد ناظر به تمایلاتی است که احتمالاً می‌خواهند این موضوع را به سیاست کف خیابانی تبدیل کنند که به قطبی‌سازی اجتماعی و سیاسی در جامعه منجر خواهد شد. آن وقت این خودش را در انتخابات ۱۴۰۰ به شکل خوبی نشان نخواهد داد. ضمن اینکه امکان ما را هم برای برخی اتخاذگیری‌ها کم می‌کند. بنابراین در این مقطع واجب است ساحات برای امریکادیده شود و روشنی و درستی توسط همه طیف‌ها درک شود.

۱- خط مشی ترامپ در قبال رسانه‌ها، جنگ و مقابله باوبایان بخش از منبع قدرت در امریکا بوده است. در شرایطی که قدرت رسانه‌ها در عصر جامعه شبکه‌ای در شکل‌گیری تحولات سیاسی و اجتماعی بر کسبی پوشیده نیست، ترامپ رسانه‌های قدرتمند را با خود همراه ناساخت و حتی مشاوران وی نیز در این زمینه در حمایت جدی حزب جمهوریخواه از وی، عدم پایبندی وی به برخی از سنت‌ها و ارزش‌های جامعه آمریکا در گفتار و عمل، دوقطبی کردن جامعه آمریکا، سیاست‌های وی در حوزه سیاست خارجی، بهداشت و مالیات و... به شکل مؤثری این انتخابات را تحت تأثیر قرار داده و ترامپ را با شکست مواجه کرده است.

۲- مردمی که از توهین کودکان، زنا زشت و درگیری بی‌هقه خسته شده بودند و خواهان اتحاد و توقف نفرت پراکنی بودند و پس از چهار سال طاقف فرسا، خواهان اداره کاخ سفید به روشی سنتی توسط ریاست جمهوری آرام بودند، با رای به «بایدن»، می‌خواستند شرایط را به حالت عادی بازگردانند. در توضیح این مطلب باید متذکر شد که ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶، نیز بدون برخورداری از اکثریت آرای مردمی، به‌دلیل کسب اکثریت آرای الکترال وارد کاخ سفید شد و لذا نتیجه مشارکت شهروندان آمریکا در آن انتخابات، پیروزی مردی با سوابق هولناک (زن‌ستیزی، فساد جنسی، نفرت‌پرانی، نژادپرستی و فساد اقتصادی قابل توجه) بود که مردم آمریکا را با چرخه‌ای از فرار و نشیب، بالا و پایین، امید و یأس در عصر ترامپ مواجه کرده و آنان را از نظر روان‌شناختی مورد آزار قرار داد. بدون شک تأثیر این مسأله در انتخابات اخیر را نمی‌توان نادیده گرفت.

۳- دامن زدن به تنش‌های قومی، استفاده از زبان نژادپرستانه در توثیق‌های توهین‌آمیز رنگین‌پوستان و همچنین اظهارات نژادپرستانه و رفتارهای غیرمعارف و پرخاشگرانه مانند کاهش نرخ بیکاری نیز دست‌یابد، شیوع ویروس کرونا به سخنانی‌های انتخاباتی نیز زمینه ساز حضور بیشتر از گذشته اقلیت‌های نژادی، در انتخابات و تأثیرگذاری جدی بر نتیجه انتخابات اخیر و شکست او و پیروزی بایدن گذاشت. در واقع می‌توان گفت ترامپ تفرقه‌انگیزترین رئیس جمهوری در طول ۱۰۰ سال اخیر برای آمریکا بوده است.

۴- ترامپ در زندگی شخصی خود نشان داده که تحمل

فردی بالاتر از موقعیت خود را ندارد، لذا از دیگر علل شکست وی خالی کردن اطراف خود از افراد متفکر و مشاوران آگاه بود. ۵- ترامپ در انتخابات سال ۲۰۱۶ به‌عنوان فردی به ظاهر مستقل و خارج از ساختار نظام امریکا وارد این عرصه شده بود و شعار مبارزه با حکومت و ارکان مافیای قدرت را مطرح کرد. اما بعد از گذشت چهار سال از ریاست جمهوری او، پوچ بودن این ادعایی بسیاری از شهروندان امریکایی به اثبات رسید. ۶- ترامپ متوجه نشد که نمی‌تواند انتخابات ۲۰۲۰ را با همان دستور کار انتخابات ۲۰۱۶ و در همان نقش و قالب یک مرد دیوانه ظاهر شود. این شخصیت برای جامعه آمریکا که در سال ۲۰۲۰ نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر کشته در کرونا داده است، بیشتر تداعی‌گر تصمیم‌های غلط ترامپ دربرابر کرونا بوده نه جسارت و جسارت.

۷- بحران کرونا و تبعات اقتصادی متعاقب آن و ناتوانی ترامپ در مدیریت مبارزه با کرونا سوء مدیریتتی که باعث کشته شدن حدود ۳۰۰ هزار امریکایی تا روز انتخابات شد و بزرگترین بحران دوران ریاست جمهوری او را رقم زد، یکی از مهم‌ترین دلایل شکست ترامپ در انتخابات اخیر بود. شواهد تاریخی امریکا نشان می‌دهد که رؤسای جمهوری دیگر در حل بحران‌های ملی قویتر از ترامپ برخورد داشته‌اند از جمله روزولت که نجات امریکا از رکود بزرگ، وی را از نظر سیاسی تقویت کرد. با واکنش جورج دبلیو بوش به حملات ۱۱ سئتامبر محبوبیتش را افزایش داد و به او کمک کرد تا برای بار دوم موفق شود، اما مدیریت نامصحب بحران کرونا از سوی ترامپ کمکی بود به کاهش سطح حمایت از او و افزایش حمایت از رقیب او. در مجموع می‌توان گفت عملکرد ترامپ در مقابله با کرونا و تأثیر این پاندمی بر اقتصاد امریکا، ایجاد ترس و وحشت در میان بخش عظیمی از جامعه امریکا و دیدگاه‌های نژاد پرستانه و سیاست‌های سختگیرانه وی در قبال رنگین پوستان و مهاجران، عملکرد منسجم حزب دموکرات و تیم بایدن در مقابل ترامپ، عدم حمایت جدی حزب جمهوریخواه از وی، نوع نگرش مردم در برخی از سنت‌ها و ارزش‌های جامعه آمریکا در گفتار و عمل، دوقطبی کردن جامعه آمریکا، سیاست‌های وی در حوزه سیاست خارجی، بهداشت و مالیات و... به شکل مؤثری این انتخابات را تحت تأثیر قرار داده و ترامپ را با شکست مواجه کرده است.

■ ب- دلایل پیروزی بایدن

۱- تأثیر شیوع کرونا در رابطه با تشریح دلایل پیروزی «جو بایدن» در انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا می‌توان مهم‌ترین عوامل پیروزی بایدن در این دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری را هم‌گیری کرونا، کارکرد دامن‌سازی دولت ترامپ در مهار این ویروس، اثرات مخرب آن در اقتصاد امریکا و وخیم شدن وضعیت زندگی مردم این کشور دانست. چرا که همه‌گیری ویروس کرونا در سال ۲۰۲۰ و گرفته شدن جان بیش از ۲۳۰ هزار نفر از مردم امریکا، زندگی و سیاست در این کشور را تغییر داد. نوع نگرش مردم در رابطه با نحوه مدیریت بحران توسط ترامپ، نتایج نامطلوبی را در نظرنسجی‌ها برای او رقم زده و اعتماد به نفس و توانمندی نامزدها در مدیریت شیوع کووید۱۹ به‌عنوان یک شاخص مهم مورد قضاوت مردم قرار گرفته و این مسأله و سقوط اقتصادی که ناشی از همه‌گیری کرونا و شعارهای مبنی بر رونق و شکوفایی را که پیام اصلی کارزار انتخاباتی ترامپ بود، تحت‌الشعاع خود قرار داد و با وجود اینکه او توانسته بود در سال گذشته وضعیت اقتصادی امریکا را بهبود بخشد و در این زمینه به موفقیت‌هایی مانند کاهش نرخ بیکاری نیز دست یابد، شیوع ویروس کرونا به ناگهان توانست به بزرگترین پاشنه آشیل رقابت انتخاباتی او در سال ۲۰۲۰ مبدل شود.

هیچ‌کسی گمان نمی‌برد که این موضوع آینده سیاسی ترامپ را به چالش بکشد. رفتارهای یکجانبه ترامپ در زمینه برخورد با بیماری کووید ۱۹ برای وی در عدم انتخاب دوباره او بسیار گران تمام شد. اما کمپین بایدن از فرصت پیش آمده